

## ۲. تاریخ و اساس خزانة داران ولایتی

تشکلات حالیه خزانة دار های ولایتی مخصوصاً طرز محاسبات جاری آنها که مورد بحث ما بوده از تاریخ ۸ + ۸ از موقعیست که ابلتون خود را در دست Faiseure de Service (انجام دهندگان خدمت) خلاص نمود و بجای آن اصول حالیه را برقرار نمود.

این اشخاص يك دسته از صرفان و کارکنانی بودند که هم مأمور معاملات نقدی خزانة وهم متصدی تهیه آذوقه عطمی می شدند. شغل اولی آنها که فعلاً و ضوع مباحثه مالیت عبرت از زول اسناد تعویض داران کل و پرداخت قبوض رسمی آنها و بالاخره تمام معاملات خزانة بود. اسناد تعویض داران کل عبارت از عایدی کلیه مالیه های مستقیم و مهمترین منابع عایدی بودند که مبلغ آن تخمیناً به سیمده میلیون کل عایدات بالغ گردید. زائده های دوره کونولا برای اینکه ترتیبی در امور مالیه داده و در موقع لزوم و احتیاجات فوری وجود عاید گردید موافق نظامنامه جدیدی تعویض داران کل مجبور بودند که در ابتدای هر سنه مالیه عبارتیکه ماهیانه زائده مالیت او بجمعی خود باید بدولت به بردازند معلوم و مستند بپایان نسبت باشند لایق که در وصول مالیات ممکن بود حاصل شود هر دفعه پرداخت و رعده فقط هر سه مرتبه هر ماه بعد عقب انداخته باین معنی که فقط ماه ژانویه در آن به بایستی پرداخت شده و فقط خیر ماه حساب در ماه آوریل سال بعد نادیده میگردد. موافق ترتیب مذکور تعویض داران کل مالیاتیکه بموجب قانون بایستی در مدت دوازده ماه از مالیات دهندگان دریافت دارند در مدت شانزده ماه بدولت می پرداختند این مهلت به تعویض داران کل اجازه

مراقبت حاصل نشود و مهم‌ترین آنها مسئله پول مکررنگ بود (۱)  
 بواسطه کمی پول کمیاب استنادنحوه بلنداران کل را در بانک فرانسه  
 از ول و همینکه اسناد مزبوره را نقد نمود کمیابی خود شروع پذیرفت  
 و جوهی نمود که تدبیرهای استثنائی داخل صندوقهای مالیه که دیده‌مطابوری  
 که در مرموعه بانک فرانسه هیچ منابع موجودی در مقابل اسناد گرونی  
 های خود در صندوق مالیه یافت نمود

این شرکت مهم در ابتدای تأسیس و ایجاد خود تقریباً کارش منحصر  
 بنموق و عدم پرداخت ماهی خود نگردید و بواسطه مسائل چندی اجتناب  
 و احترام از عنوان و رتبه‌ستیزی منسوب مثلاً در موقع پرداخت پولهای  
 نقد را بانک بنگ با کمال دقت شماره نموده و تحویل میداد تا استکه بپس  
 هر آدم فقط وجه بنگ با ط را که ساری نمود و قبلاً هم امرهای  
 تریس ای پرداخت و جوه در دا الحاکمه تقسیم نموده بود و غیره و  
 غیره موافق تریس مد کوا و در باره پانصد تا شصت هزار فرانک فقط  
 او صندوق کمیابی مزبور اخذ میکردند (۱۸۰۵ لیسر)

با وجود این ترتیبات باز آساع امرایی معارضه‌ها طوری بود

۱ مسئله پول با فروغی مکررنگ با در خلاصه ما متاثر از داد بود  
 مادت استیامول نمود و چون بواسطه استیلای انگلستان در تمام دریا  
 ها دیگر پول اسپانیول در تصرفات مکررنگ و پرو بهار و حمل  
 نمی‌گردید هر پناستره از بنگ با در ۳ فرانک ۷۵ ساتیم خرید در  
 حالیکه هر پناستره در اروپا پنج فرانک قیمت داشت آورد در نظر داشت  
 که با اجازه حمل آنها از دست وزیر معروف انگلستان حاصل نموده  
 با نظیر فایزتی بدون اطلاع گشتی های جنگی انگلستان وجه مزبور  
 را از مکررنگ حمل اروپا به سایر دول امتشش و انقلاب اروپا نقشه او  
 را مرهم زده و معامله او با پر شدن خزانه اسپانیول و بهی گردیدن  
 صندوقهای مالیه فرانسه گردید

که بالاخره کارش بورشکستگی کشید کمکت های نقدی که از طرف بانک فرانسه داده شده بود مدتی سبب حیات شرکت مزبوره گردید ولی همینکه ناپلئون از فتح پاریس مراجعت نمود عجله در رفع این بی ترتیبی ها نموده و ایجاب کندگان خدمت را معذور نمود که هر چه موجود دارند بدولت تحویل نموده و باز به مارو را معزول و بجای آن مواجیر را منصوب نمود کسر عمل تجار بچشمه به ۱۴۹ ملیون معین گردیده (چندی بعد از این مبلغ هم کمتر شد) وزیر جدید با امپراطور موافقت نمود در اینکه خود را قطعاً از دست صرافان خارجی خلاص و آسوده نماید.

از روی همین عقیده بود که تشکیلات جدید خزانه داری مقرر گردید در موقعی که فرمان ژویه ۶ + ۱۸ را امضای ناپلئون میرسانید امپراطور بیان ذیل توضیح و توصیف مطالب را نموده است « من نمیتوانم باین زودی فرمان آزادی خزانه دولت را امضا نمایم »

این فرمان ۱۶ ژویه ۱۸۰۶ در حقیقت آزادی خزانه مملکت را شامل بود فقط در حدی که مداخله صرافان را در امور مالیه نکلی خارج مینمود. فکر بهتری مکرده جر آنکه در داخله خود اداره مالیه بحساب آنها صرافانی از مامورین دولتی ایجاب نماید. اصل عمده فرمان ۱۶ ژویه ۶ - ۱۸ از قرار ذیل است :

۱ - يك صندوق مخصوصی در خزانه تاسیس میشود که وظیفه آن صندوق عبارت از رسانیدن (بسرع و سائل امکان) عایدات بمخارج ولایات خواهد بود .

۲ - صندوق مزبور محاسبات جاری بانجام تحویلداران کل از خواهد بود ( ماده ۴ )



از آن تاریخ تحویلداران کل حق مصرف اضافه عایدات خود را بمیل خود نداشته و نمیتوانستند معطلی برای مصرف موجودی خود انتخاب نمایند از آن بعد فقط محالی که اجازه داده شده و تشویق در آن موضوع هم شده بود همانا امانت گذاردن وجوه بعنوان محاسبات جاری خزانه بود. ایجاد محاسبات جاری بالاخره باین مطلب منتهی گردید که وجوه موجودی که تدریجاً در تمام خاك فرانسه عاید دوائر مالیه میشد در ید اقتدار و اختیار خزانه هرگز وارد گردیدند بعلاوه نفعی که از تحویل این وجوه بعنوان محاسبه جاری خزانه معین و مرجع شده بود عاید تحویلداران کل گردیده و مأمورین مزبور محتاج بآن نبود که مثل سابق وسائل دیگری برای مصرف وجوه ایجاد نمایند.

ترتیب قدیم اسناد باقساط ماهیانه بوعده ۴ ماهه نسبت بمالیاتهای مستقیم با ایجاد محاسبات جاری مأمورین گردید ، فقط نفع و فایده تحویل داران را جمع بمیلغی بود که اضافه از اقساط معموله تحویل داده بودند .

رزبر مالیه در نطق خود میگفت : خزانه يك نفعی بتحویلداران کل وعده نموده نسبت بوجوهیکه بطور مساعد قبل از موعد مقرر بحساب جاری خزانه میگذاشتند ولی تحویلداران نیز بایستی تمام عایدات خود را یومیه بمحض دریافت تحویل سند و ق نمایند

موافق ترتیب مذکور سند و قی که در سنه ۱۸۰۶ . ایجاد گردید برای تمام تحویلداران کل يك محاسبه جاری نگاهداشته مأمورین مزبور وجوه دریافتی خود را بمحض وصول تحویل سند و ق نموده و این که قبل از موعد مقرر وجهی از طرف تحویلدار بصدورق تادیه شده بود بهمان مبلغ اضافه نفعی تعلق گرفته و باز عاید میگردد

تحویلداران کل در حقیقت بمنزله مالك اضافه پولیکه قبل از

موعد مقرر تحویل گردیده تصور شده و بموجب قرار داد آن اضافه  
 نفعی از طرف خزانه بمامورین مزبور داده میشد تا اینکه محل دیگری ولو  
 موقتی هم باشد بر این امانت و نگاهداری وجوه جز صندوق خزانه جستجو  
 ننمایند و زبر مالیه شخصاً تا بجای که از فرمان ۱۸۰۶ حاصل میگردد  
 بمضامین ذیل بیان نمود مقصود از این ترتیب این بوده است که  
 وجوهات بی نفعی در هیچ صندوق گذارده نشده و مساعدت از تغییر و  
 تبدیل محل پولهای نقد شود (یعنی فقط تحویل صندوق خزانه بشود)  
 و بالاخره بمامور دولتی هم همان اجر و فایده تعلق بگیرد که بواسطه  
 آن امور و معاملات خود را مرتب و منظم بنمایند.

بعلاوه باز و زبر مزبور میگوید: صندوق خزانه روابط  
 روسای مالیه را با خزانه تکمیل نمود و عواید مالیات مستقیم قبل از  
 موعد مقرر بصندوق مزبور وارد گردیده و هر خطری را که ممکن  
 بود در این مدت فاصله دریافت مالیات و تحویل بخرانه وجوه دولتی  
 وارد شود رفع کرده و رؤسای مالیه برای منافع شخصی خود هم که باشد  
 سعی و تعجیل در زود رسانیدن وجوه بخرانه دولت مینمایند.

(محاسبات کل خزانه در سال چهاردهم جمهوریت ۴۰ اوت  
 ۱۸۰۸) بطور خلاصه مفهوم اداره و موبلدار کل بشکل يك مامور

سراف متصدی وصول مالیات بمشاورت و ضمانت خودش و مرگزیت دادن وجوه  
 حوزه ایالتی ظاهر گردید مثل اینکه اداره مالیه حوزه تحویلدار بار  
 اجاره داده شده باشد مامور مزبور قبل انقضای موعد مقرره مجاز و جوی  
 تحویل صندوق نمینمود. و ضمانت موبلدار ناگردد بود که وجوه دریافتی  
 را بتوسط صندوق های مخصوصه بخرانه مرگز برساند و نفع خود را  
 بگیرد. این بود اصل و مبدا تشکیلات حالیه خزانه داران کل چنانچه

در بیان تاریخ مفصل اواسرار گردیدند این مناسبت بود که تاسیس و تشکیل  
سنه ۱۸۰۶ تقریباً بطور دائمی تا ایام اخیر موجود بوده است. برای  
کسب اطلاعات این موضوع رجوع بصورت نظامنامه‌های عمده مربوطه  
بآن کافی خواهد بود.

در سنه ۱۸۰۵ اسنادی که تا بنوقت بشعوبلداری کل برای  
وخلول مالباقیهای مستقیم می‌سپردند موقوف گردید.

احکام صادره از طرف وزیر مالیه در ۷ نوامبر ۱۸۱۶  
الغای ترتیب مذکوره ذیل را از اول ژانویه ۱۸۱۵ مقرر نمود از این  
تاریخ محاسبات جاری فقط عبارت از معاملات واقعی عایدات و مخارج  
در همان موقع عمل و اجرا خواهند بود.

از آن تاریخ طرز ترتیب مساعدت قبلاً بیان نمودیم بعنوان  
محاسبات جاری خزانه داران ولایتی وجود پیدا کرد از آن سه بعد  
برای رفع احتیاجات دولتی باعضادات شخصی مامورین مزبور رجوع  
گردید و همین مناسبت چنانکه قبلاً بیان گردید (خزانه داران ولایتی  
اجازه داده شد که وجوه اشخاص متفرقه حوزه ولایتی خود را جلب و  
اخذ نموده و بوسیله محاسبات جاری به صندوق هزار خزانه تحويل دهند  
صفت سراقی که تعویب‌داران کل دارا بودند در مورد خزانه داران کل  
تا یکدرجه وسعت حاصل نموده

پس از دور تجدید احکام ۸ دسامبر ۱۸۳۲ ترتیب قدیم را در  
موضوع مسئولیت مامورین مالیه مجدداً برقرار نمودند. قانون ۲۴ آوریل  
۱۸۴۳ متعاقب ورشکستگی کسمر Kexner کنترل را روی قبضه مشایخ  
دار را که سابقاً بیان کرده ام مقرر داشت پس از آن تاریخ سهم نرین  
رفورم هب، نیکه قبلاً از رفورم حالبه برقرار گردید همانا یکی بودن مشاغل

پرداخت کنندگان متخارج بود دریافت کنندگان عایدات بود که بدست خزانه داران  
و پرداخت کنندگان کل و اگذار گردید

از یکی بودن این دو شغل در دست يك مامور و نظایفی که سابقاً  
بهر يك از آن مامورین بطور جدا گانه راجع بود تغییر حاصل  
نه نمود \*

نظریه اینکه این اساس بیشتر از ربع يك قرن طول کشیده و  
تغییری در آن حاصل نشده است می توان فهمید که مازکیزد دیگر چه  
اندازه متروک به نظر و عمل خود بوده است \*

از آن طرف نیز باید دانست ~~صکک~~ خیلی از مصنفین معاصر هم  
تنقیداتی در این موضوع نموده اند مصنفین معاصر میگویند مدت زمانی  
است که سبب و جهت عمده وجود تحویلداران کل ازین رفته است و حالیه  
دیگر آن موقعی نیست که تحویلدار کل با اعتبارات شخصی خود برای  
دولت تهیه وجه نموده رفع احتیاجات را بشایند \*

تشکیلات حالیه خزانه داری کل يك سابقه تاریخی بی مناسبت  
با اوضاع حاضره است که میبایستی از اصول مالیه ما خارج گردد این  
يك بی تاریخی عجیب و غریب است که دو شغل به یک نفر واگذار شده  
از یک طرف مامور خزانه دولت بوده و بانهاست دقت بایستی منافع خزانه  
را مدافعه و حفظ نماید و از طرف دیگر - راف و طرف معامله و در حدود  
است که فوائد ممکنه را از وجوه خور تحصیل نماید و از کارایام گذشته  
و منافع شخصی فقط بیاست رسب این تشکیلات قدیم است \*

حاصل اینکه به دفعات مکرره بطرز تشکیلات مذکوره شده و وفق  
بیانات فوق بلکه عجز نداشته اند ترهم بوده است و بالاخره به رفورمی منتهی  
گردیده که ما آنرا مذاقه و مراجعه خواهیم نمود \*



## ۲. رفورم تأسیس خزانه داران ولایتی

مابین اصولیکه برای رفورم تأسیس خزانه داران ولایتی پیش بینی گردید یکی راجع به تغییر شکل متصدیان امور خزانه داری به مثل مامورین رسمی دولت با حقوق معین بوده و دیگری پرداختن کارکن مشاغل آنها به بانک فرانسه بوده است. بعضی اوقات نیز هر دو نظر باید یکدیگر توأم گردیده است.

تغییر دادن خزانه داران ولایتی به مامورین با مواجب معین (چنانکه امروزه اغلب مستخدمین دولتی حتی آنهاستیکه وظایف و مسئولیت های خیلی بزرگ را دارا هستند) بنظر يك پیشنهاد سهل و قابل اجرائی است مثل آنکه پرداخت کنندگان وجوه نامدتی که وجود خارجی داشته اند با وجود اینکه رضیق همکاران خود تقریباً همانقدر با وجوه دولت را عمل و معامله می نمودند دارای مواجب معین بوده اند از نقطه نظر زاول داشتن حقوق است. بوده است که Sadi Carnot وزیر مالیه لایحه رسمی ۱۶ مارس ۱۸۸۶ را تهیه نموده پیشنهاد مزبور ولایحه بودجه ۱۸۸۷ درج گردیده است. حذف کلیه عواید مختلفه از قبیل تخفیف حق العمل و هر عنوان دیگر که به خزانه داران ولایتی بتوسط بودجه دولتی یا دوائیر عمومی دیگر داده میشد در لایحه مذکوره اعلان گردیده بود در عوص مواجب های معینه از ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ فرانك برای آنها مقرر شده بود.

بعلاوه يك بند معاش از ۱۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ فرانك بعنوان مخارج و مصارف مسئولیت درباره مامورین مزبور بر قرار گردیده بود بالاخره نسبت به خدمات خرید منافع استقرامن و توزیع سهام دولتی

حق العمل های متناسبی بطور استثنای کافی الساقی رای آنها محفوظ مانده بود. این پیشنهاد قانونی که خیلی مذاقه در ار گردیده و کلام نکات در آن پیش بینی شده بود و سبب يك صرفه جوئی سالیانه دو میلیون و نیم میشد از طرف مجلس شورای ملی قبول نگردید حتی پیشنهاد مزبور در تحت مذاکره بیرون نیامد زیرا کمیسیون بودجه در آن موضوع و مانع از اشیده و وزیر مالیه هم امراری نه نمود.

بزرگی يك پیشنهاد شبیه به پیشنهاد مذکور که از ابتکار پارلمانی بود مورد قبول مجلس واقع گردید. این پیشنهاد پارلمانی خزانه داری ولایتی را به پنج طبقه با حقوق ثابت از ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ فرانك تقسیم نموده بود. تمام حق العمل ها در بودجه درائی با آنها مرحمت شده عدد معاش خارج از بودجه به عنوان خسارت مسئولیت برای نامورین مزبور باقی ماند (۱)

در حقیقت این پیشنهاد هم در خطوط اساسی مثل همان لایحه ۱۸۸۶ بود وزیر مالیه یهوده مخالفت در پیشنهاد اخیر می نمود زیرا طرح مزبور نه فقط از طرف مبتکرین آن دفاع گردیده بلکه کمیسیون مجلس هم تصویب آنرا نموده و بالاخره از طرف مجلس شورای ملی بایک اکثریت نامی رای داده شد.

از همانوقت مجلس در مرقع مذاکره بودجه ۱۸۹۰ برای تعهکم و تثبیت رای خود قبل از آنکه سنهم در آن باب رای داده باشد در مبلغ اعتبار وزارت مالیه راجع بمواجب خزانه دارهای ولایتی تغییرانی داد جلسه ۲ ژوئیه ۱۸۸۹ سنای تدارای مجلس را که بوسیله اعتبارات بودجه

---

(۱) این عدد معاش خارج از بودجه از محل صندوق امدت و

اعمال آن هاند آنها می گردید

رقوم اداری نمود پیروی ننمود.

ضمنا رضایت خود را در موضوع تغییر شکل مشاغل خزانه داران ولایتی باقیود چندی بیان کرد (رپورت کمیسیون سنه ۱۳۱۱ ژو به ۱۸۸۹) و بالاخره برای اینکه مناقشه در کار حاصل شود، با وجود اعتراضات موجه تغییراتی را که مجلس شورای ملی در اعتبارات بودجه لایحه بودجه ۱۸۹۰ داده بود تصویب نمود (جلسه ۱۵ ژوئیه ۱۸۸۹) رفورم مزبور اداره رقم یعنی مبالغ مواجبه از همان تاریخ در دوره مقننه تصدیق و ثبت گردیده و پس از نظامنامه ۳۶-۲۳۱-۱۸۸۹ که لزوماً ارقام بودجه را با این تغییرات اداره تطبیق و موافق می نمود عملاً هم بموقع اجرا گذارده شده.

نظامنامه ۳۹-۵۳-۱۸۸۹ برای خزانه داران ولایتی حقوق ثابتی از ۱۹۴۰۰ تا ۲۵۰۰۰ فرانک به پنج طبقه تعیین کرده (ماده ۱) و در ماده دوم حق العملها و تخفیفهایی که از بودجه دولتی آنها و این مزور داده میشود حذف نمود و بالاخره برای هر خزانه دار طو مقننه بمعاون مخارج دفتری که کم خرج تصویر نموده که میزان آن بموجب حکم وزاری تعیین میگردد ماده ۳ خزانه داران ولایتی دیگر از حق العملها و مخدقات بودجه استعاضی بهره فغظ مواجبه های خارج بودجه ز محل صندوق امانات و کردنی فسیه یک بنکی است راجع به املاک و اراضی و غیره، برای آنها محفوظ بماند پس ما مور این مزور از آن به بعد مستخدم دولتی با مواجبه معین بود و بعنوان کم خرج مخارج دفتری نیز یک اندوه حق و قبی بطور معاطعه با آنها داده میشود.

یک پیش نهاد دیگری نیز از مدت زمانی است بمجلس شورای ملی و ستا تقدیم گردیده و موافق آن بمشهوراد اداره تشخیص عایدات و اداره دریافت مالیات های مستقیم هر دو بدست یک نفر وابستگی را گذار کردند.

بر طبق نظر خزانه دار و مدیر مالیات های مستقیم عبارت از يك شخص بوده و وظایف هر در شغل متعلق بهمان یک نفر خواهد بود بعلاوه تحقیقات و محاسبات جاری معاملات بانکی و غیره سکلی از میان رفته و بجای آن مواجب ثابت و معین در قرار میگردد \*

چنانچه این امتزاج تا کنون به تاخیر افتاده ولی میتوان بسبب احداث مفیدی که در آن موضوع در دوره های اجلاسیه واضح گردیده مراجعه نمود.

يك پیشنهاد دیگری که خیلی تند تر از نظریات سابقه است به فقط خزانه داران ولایتی را از وظایف حایه صرافی که (تمام مردم موافق با حذف آن هستند) محروم میدارد بلکه مطابق بر حساب این عقیده مشاغل معاملات نقدی دولتی هم بایستی از دست خزانه داران ولایتی گرفته شود.

بر طبق این پیشنهاد اخیر بانك فرانسه صندوق دار دولت خواهد بود روابطی که خزانة دولتی را با بانك فرانسه مربوط می نماید و مسبقاً هستیم باین ترتیب که تمام معاملات نقدی خزانة متوسط بانك واقع می گردد و چنانکه سابقاً بیان گردید خزانة داران ولایتی دائماً عایدات خود را به شعب بانك تحویل داده و كمك خرج هم هر چه لازم باشد از شعب بانك اخذ می نمایند این پیشنهاد جدید از این ترتیب هم جلوتر رفته و صندوق را کاملاً بدست بانك واگذار مینماید \*

ساحمان نظر اخیر میگویند: تحویل پول از صندوقهای خزانة به بانك یا از بانك بخزانة چه نفعی را شامل است؟

آیا سهل تر نخواهد بود که نقل و تحویل زیادی و پر خرج وجوه را موقوف نمود و وظیفه دریافت وجوه از سالی تحویلداران را به بانك

واگذار کرد و همچنین پرداخت حوالات مخارج را بعهده بانک فرانسه گذارد؟ با این ترتیب تمام امور صندوق بتوسط بانک واقع گردیده و عایدات مملکتی از آن بپرد از جای خود فقط برای رسیدن بمقصد اصلی سیر و حرکت مینماید. اما در خصوص مستخدمین دولتی تحویلدار و پرداخت کننده.

وظایف آنها محدود بهمان مشاغلی خواهد بود که مربوط بآنها است. معاملات بانکی در بانک فرانسه واقع گردیده و نظارت و محاسبات در دست دولت بقی خواهد ماند و هر کدام قسمتی از وظایف را انجام میدهند که مخصوص و مربوط باوست و موافق ترتیب فوق از روی قواعد عقلا و مسائلی که تا کنون معوق مانده منظم و مرتب خواهد گردید چون مسئله تجدید امتیازات بانک فرانسه رسماً در تحت مشاوره مجلسین گذارده شده است مافقط رای یاد آوری ترتیب تشکیلات خزانه داری را در چند نقطه از ممالک خارجه بیان می نمائیم.

### ۵. خزانه داری در انگلستان در آلمان و در باریک

دولت در انگلستان يك قسمت عمده از وظایف مالی خود را به بانک واگذار می نماید.

بانک انگلستان اولاً مخصوصاً و منحصر امام و راداره نمودن استقراض عمومی است. بانک مزبور مستقیماً منافع قروض ثابت و جاریه را به طلبکاران دولت پرداخته مبلغ مزبور تخمیناً عبارت از ۸۰۰ میلیون فرانک سالانه میباشد و معاملات نقل و تحویل راجع باین سهام هم در عهده بانک است پرداخت کوپن و نقل و تحویل سهام استقراض عمومی اولین وظیفه است که به بانک انگلستان واگذار شده است.

در مقابل انجام این خدمت بانك مزبور از دولت وجهی به عنوان  
چبران خسارت (یا حق العمل) دریافت میدارد این وجه مطابق جدول  
مخصوصی (که هر چه معامله بیشتر بود حقوق بانك کمتر است) عبارت از  
پنج ملیون فرانك سالانه است

ثانیا تمام ادارات عالیه از قبیل گمرکات عواید داخلی دست و  
نلگراف و عواید متفرقه تمام وجوه ما خورده خود را مستقیما بحساب جاری  
خزانه دولتی بانك انگلستان تحویل میدهند این محاسبات جاری نیز  
در صورت لزوم از محل صدور قبوض خزانه بامساعده هائیکه خود بانك باسفع  
دولت میدهد اضافه میشود از طرف دیگر

پرداخت کنندگان کلی برای استیجابات خود با اجازه کنترل  
ژنرال و خزانه داری از بابت حساب جاری مزبور دائما وجوهی از بانك  
اخذ مینمایند بانك انگلستان از بابت پرداخت این وجوه حق العملی  
دریافت نموده و نفع بانك از همان موجودی عمده محاسبات جاری است  
که همیشه در پیش او موجود است (موجودی در بانك بر حسب مقتضیات وقت  
خیلی مختلف است)

بطور خلاصه بانك انگلستان از ذروراه بدولت خدمت مینماید اولاً  
با گرفتن يك حق العمل پرداخت منافع و نقل و تحویل استقراض  
عمومی را در عهده گرفته و ثانیاً بدون آنکه از آن بابت وجهی از دولت  
دریافت نماید بانك محاسبه جاری با خزانه مثل سایر طرفهای معامله خود  
باز مینماید

در آلمان بانك مملکت امپراطوری که بموجب قوانین ۱۴ مارس  
۱۸۷۵ و ۶ دسامبر ۱۸۸۹ تاسیس گردیده است

منافع استقراض مملکت امپرا توری را پرداخت مینماید ولی —

استقرات دولت آلمان ~~که~~ خیلی کمتر از استقرات روس است  
بیش از ۱۹۵۰۰ میلیون فرانک منافع سالانه نداشته که بموجب کوبین  
در وجه حامل

پرداخت گردید در مخارج آن در سال به ۸۰۰۰۰ فرانک تخمین شده  
است بانک آلمان نیز در مرکن مخارج

سندوق ملی مملکت امپراطوری را پرداخت نموده و عایدات  
این موسسه را هم که بواسطه سهامی است که کمتر از ۱۲۵۰۰ فرانک  
نیست دریافت می نماید. معاملات مذکوره بانک آلمان همیشه عبارت از  
امور رایجه آلمان بوده (مقصود آنست که معاملات سایر ممالک متحده  
آلمان مربوطه بیانات فوق نیست) و مخصوصاً در مابین این معاملات  
امور مربوطه به خزانه عدلیه و داخله در پابخت است و ریاست خزانهای  
خارجی پست جنگ و بحریه هر يك سندوق دارهای مخصوص خود را  
داراهستند

کاریکه حقیقتاً برای دولت مفید است و بقه سبب بانک آلمان انجام  
میشود همانا عبارت از دریافت و تمام عایدات معلی و پرداخت مبالغ  
لازمه برای مخارج ممالک امپراطوری آلمان روس است که در هرگز  
بازر ۲۰۸ شعبه بانک آلمان در تمام نقاط مختلفه معاملات معامله و انجام  
میشود. برای استفاده از این مطالب دولت آلمان (مثل هر شخصی که  
دارای اعتباری باشد) يك حساب جاری با بانک باز نموده و آن حساب  
جاری در تمام شعب بانک بر حسب احتیاجات و مواقع پول تحویل یا باز  
آن شعب وجه دریافت میشود با این ترتیب تمام زحمات و سرگردانی  
های نقل و تحویل وجود از خزانه معاملات دفع شد و برای حق العمل  
یا اجرت زحمتی که بانک متحمل میشود خزانه دولت با استی همیشه

یکمیلیونی که حداقل آن کمتر از ۱۲۰۰۰۰۰۰ فرانک نباشد در بانک موجود داشته باشد اداره راه های آهن نیست و غیره هر یک با بانک یک حساب جاری مخصوص مشخصی برای امور هر روطه خود خارج از محاسبات جاری خزانة باز می نمایند

در بلژیک بانک ملی بلژیک بموجب قوانین ۱۰ و ۱۱ ماه ۱۸۵۰ کاملاً وظایف صندوقداری دولت را انجام می نمایند چندی قبل از قرابین ۱۸۵۰ هلتند که بلژیک هم جرء آن بوده هرگز نت دانند و پرداخت تمام رجوع بودجه را بانک و شعب آن واگذار نموده بود پس از تجهیزه هالتند از فرانسه در سنه ۱۸۱۵ این مملکت سعی در آن داشت که نزدیک تشکیلان فرانسه را راجع به تحویلداران کل و تحویلداران مخصوص و صندوقدار مرکزی برهم زده و این امور را بیک بانک مخصوصی واگذار نماید بانک مزبور نام

شرکت عمومی برای توسعه صنایع ملی خوانده میشد در موقعی که بلژیک استقلال خود را بدست آورد پس از سنه ۱۸۳۱ اولاد روابط خود را با شرکت مزبوره تمدید نمود دولتی نظر باشکالانیکه بعمل آمده قانون ۱۸۵۰ ایجابیک بانک ملی نموده در بانک مزبور بموجب قانون ۱۰ مه سال مذکور دارای مقام و شغل صندوقدار دولتی گردید مشاغل صندوقداری بانک ملی به ترتیب ذیل انجام پذیر است

بانک ملی بابتی در هر حوزه ولایتی و هر جای دیگری که دولت لازم بداند شعب تشکیل داده و در بین اجزاء هر شعبه بانک یک نفر مامور مخصوص بنام صندوقدار دولتی وجود داشته صندوقدار مزبور را سنا از بین یک صورتیکه از طرف هیئت مشاوره بانک ملی پیشنهاد شده انتخاب می نمایند و جزء مستخدمین بانک محسوب میشود سند و قیددار



محاسبات خود را بر طبق دستور العمل دولت، بکار داشته و از طرف مأمورین وزارت مالیه تقشیر در کارهای رایج عمل نماید و از طرف دیوان محاسبات نیز مأمور او تقشیر در رسیدگی میشود

سندوقدار محاسبیه معاملات سالیانه خود را بدیوان محاسبات تقدیم مینماید تمام تحصیلداران مالیاتی و تحویلداران درجه هر نوبه بودجه عایدات خود را کلیه سندوقدار مزبور تحویل مینمایند همینطور تمام طلبکاران دولتی نیز وجود خود را از سندوق مزبور دریافت مینمایند در مقابل این سندوقدار از طرف وزارت مالیه مأمور دیگری نیز مستقیماً فرستاده میشود تا همه ایلات، عایدات و مخارج دولتی که توسط سندوقدار مزبور بعمل میآید تحت کنترل این مأمور است مأمور وزارت مالیه بنام مأمور خزانه

حتی الامکان در همان شعبه بانک انجام وظیفه نموده یا نزدیک بیانک محلی اختیار مینماید و نسبت به عایدات مأمور امضای قبوضی است که از طرف سندوقدار دولتی مردم داده میشود در تهسوس را ارفیوس مزبور جدا نموده و در حقیقت وظیفه او شبیه همان کاری است که در حکومتها یا نایب الحکومها در فرانسه در مقابل خزانه داران ولایتی و تحویلداران مخصوصه انجام میشود

و نسبت به مخارج مأمور مزبور تمام حوالجات صادره از وزارتخانهها را امضا و حواله مینمایند

خزانه دار دولتی هیچ وجهی را بدون حواله مزبور پرداخت نمیکنند

مطابق بیان مختصر فوق نمائنده خزانه در نزد هر شعبه بانک از

میزان تمام عایدات دولتی بمحض وصول به صندوق اطلاع بهم رسیده و قبوض رسید آنرا اعضاء مورد و همچنین تمام مخارج را قبل از پرداخت اعضاء مینمایند

پس در حقیقت کلیه صندوق در دست مامور مزبور میباشد بدون اینکه شخصاً در وجود دولت دخالتی بنماید

آبا در مقابل این خدمات حق الزحمه فوق العاده بیانگ دامه می شود در خلاف دولت از روابط خود با بانک ملی کاملاً قطع حاصل مینماید بموجب قرار دادها اینکه اخیراً نیز در ۳۰ مه ۱۸۷۲ تجدید گردیده است دولت لایزیک اولایک سهم معینی از روی منافع عمومی سالیانه بانک اخذ مینماید (۱۴) از منافع اضافه شش درصد سرمایه اجتماعی) پس از آن منافع مخصوصه زیاد شدن نرخ از اول علاوه بر پنج درصد متعلق بدولت است

( موافق این ترتیب بانک ذی نفع نخواهد بود اگر نزول را از میزان هادی پنج درصد اضافه نماید ) علاوه از فواید بکه از حریفان بلیط های بانک علاوه از مانده ۲۷۵ میلیون عاید شود - همی راجع بدولت است بالاخره وجوهات خزانه که بطور محاسبات جاری در نزد بانک گذارده میشود همین که از حد مقرر علاوه گردید مثل وجود نچارتی نفعی بآن تعلق میگردد جمع منافع می که موافق ترتیب مذکوره در حسب قرارداد با بانک ملی عاید دولت بلزیک میشود سالیانه بدو تا سه میلیون فرانک میرسد

دولت بلزیک وسایل اداره نمودن صندوق و معاملات نقدی خود را بهترین شرایط دارا است و چنین نمونه سر مشقی حقیقتاً سازوار تقلید و قابل دقت است

در ايرت بانك ملی كه صاحبان سهام در ۲۳ فوریه ۱۸۹۱ داده شده و جوهائيكه در انت در سنه ۱۸۹۰ از بانك دریافت نموده موافق شرح قبیل خلاصه شده است

۱۲۷۲۷۴۵ فرانك	ربح عاينه اضافه بر ربح بانك
۱۷۵۰۰۰۰	مداخله بانك در مخارج خرابه داری در ولايات
۵۱۸۱۳۹۲	ربح در صند از جريان ليهينه های بانك علاوه بر ماخذ ۲۷۵ ميليون
۰ ۰ ۰	منافع ايرول علاوه بر پنج درصد
۱۵۳۹۲۰۰	مداخله محاسبان خزانه
<hr/>	
۳۵۰۵۱۸۲	جمع - فرانك

# فصل بیست و چهارم

## وظیفه وزیر مالیه - اداره مخارج

### حواله کننده گان و معامین

اول - بکمی بودن و مرکزیت اجرای بودجه از حیث عایدات و مخارج در دست وزیر مالیه .

خلل وارده باین ترتیب در امام سابقه کمیته های خزانه داری در دوره انقلاب و وزارت خزانه در دوره کسولا و امیراطوریت امروزه و وزیر مالیه فقط به دو اداره عایدات و مخارج ریاست می نماید .

نویم - اداره مخارج - حواله کننده گان مستقیم و حواله کننده گان درجه دوم توضیح آمین و فرخ معامین و حواله .

سوم - اداره معامین « مقصود روسای مالیه است » تادیه مستقیم حوالجات بروات در صندوق خزانه دار کل

« ملاحظه شد تادیه شود » که بروی حوالجاتی که در نقاط معامله ولایتی باید تادیه شود نوشته می شود .

چهارم - وظایف معامنی نسبت قسمت پرداخت مخارج وزیر مالیه را بر عهده است وزیر مالیه و سائل تادیه سهام و حوالجات را در سر و سه های معینه در تمام حاله فراسه تپه میباید احکام تقسیم ماهیانه وجوه - وزیر مالیه نظارت میباید در اینکه پرداخت هیچ وجهی اضافه از استلزامات مندرجه در جدول و دجه نشود معامین مرکزی که در هر وزارتخانه موجود است امضای حوالجات در اداره معاملات و نقل و انتقالات شدی قبل از صدور آنها از سر مالیه بایستی مطمئن شود که پرداخت هر وجهی حقیقتاً در مقابل یک مدعی دولت بوده است تحقیق و رسیدگی در اسناد مثبته از طرف پرداخت کننده کار و جوجه مباحثه در این موضوع در کپسیون ۱۸۲۲ - اهمیت رسیدگی تادیه کننده گان وجوه .

پنجم - حق مطالبه بیکه بحواله دهنده گان داده شده است در صورت عدم تادیه حواله از طرف پرداخت کننده گان وجوه لزوم زمین مجازات نسبت به پرداخت کننده گان وجوه که مرتکب خلاف میشوند در ماده اخیر قانون مالیه

## \* اول اجرای بودجه توسط وزیر مالیه

در سلسله مراتب مامورین اجرای بودجه مقام عالی ما فوق همه همانا متعلق بوزیر مالیه است \*

کلیه مالیاتهای و مولی اعم از اینکه مثل مملکت فرانسه توسط شهروندان یا مخصوصه یا خزانه داران ولایتی مر کزیت یافته یا مثل انگلستان بطور محاسبه وزارت مالیه در بانک جمع آوری شده یا مثل بلژیک مستقیماً توسط بانک ملی گره آید بالاخره بطرف وزیر مالیه متمایل و ارجاع میگردد در هر جا و در هر مملکت همینکه عایدات اخذ و جمع آوری گردید با اختیار وزیر مالیه گذارده میشود و وزیر مالیه به فقط عایدات و وجه معمولی را در دست گرفته بلکه عواید فوق العاده از منابع استقراض و غیره هم درید اقتدار اوست \*

از طرف دیگر می بینیم که وزیر مالیه با دارم مخارج نیز ریاست دارد پس اتحاد و وحدانیت اجرای بودجه مربوط و متعلق بشخص اوست منظره این هرگز و یکی بودن امور مالیه فرانسه نظر وقت یک نفر خارجی را که برای مذاقه تاسیسات مالیه فرانسه در سنه ۱۸۵۵ تا آنجا آمده کاملاً جلب نموده است \*

شخص مزبور اینطور بیان مینماید ، هر اندازه در موارد کار بیشتر عمیق شده و وقت نمودن همان اندازه بواسطه اطلاعات از کار بیشتر خرسند تندم از نقطه مر کزی وزارت مالیه یک رشته تشکیلات مشخصه بدرجات مختلفه در تمام ادارات متشعب و تمام این تاسیسات از یک دیگر جدا ولی ضمناً در موقع عمل هم دیگر را محافظه نموده و هر یک دیگری را در حدود خود محدود می نماید همیشه امری از مر کز صادر شود

هر يك از این هزار رشته و شعبه تکلیفی که باو راجع است انجام  
بدهد اداره مالیه فرانس به توسط شوالیه دهك Chevalier de Hoack ۱۸۵۸  
معهدنا هرگزیت در کار را که شخص مزدور اطریشی در آن وقت از روی  
حقیقت نهجید نموده و همیشه در فرانسه وجود نداشته است \*

اولا در موقع مجلس موسسان و پس از آن در دوره مجلس بعد  
عهد انقلاب يك کمیته خزانه داری مامور نظارت عایدات ملی گردیده  
و کمیته مزبور اوامر لازمه برای اقل و تحویل رچوه صادر نموده همچنین  
پرداخت کلیه مخارج که از طرف هیئت مقننه اصوب گردیده بود  
بموجب اوامر کمیته اجرا میگردد (ماده ۳۱۷ قانون اساسی) و کمیته  
سال سیم جمهوریت (کمیته مزبور نظر باینکه مستقیما و متعاق  
بمجلس ملی بود عمدا از وزارت مالیه جدا گردیده بود \*

نظایر ماه ۳۰ مارس ۱۷۹۱ میگردد کمیته خزانه داری بهیچ  
وزارت خانه مربوط و متعلق نخواهد بود عمده کمیته بر حسب تفاوت موافق  
از بهیچ الی شش نفر عضو بود.

تشکیل کمیته خزانه داری چنان که بیان گردید اجرای بودجه  
را کاملاً بد اقتدار قوه مقننه میگذارد. قوه مقننه پس از آنکه عایدات  
و مخارج را رای داده بود باز خلیج از امر بود چه نمیتود ما قیلا این  
مسئله را متذکر شده ایم \* فصل دوازدهم که چنانچه اقتدار نمایندگان  
ملت مخارج از حدود خود گردیده و بعد افراط برسد بالاخره سبب  
خرابی انحلال قوه مجریه خواهد گردید.

کونسولا در سنه هشتم جمهوریت تاسیس کمیته خزانه داری  
را لغو نموده و وظایف بودجه کمیته مزبور را کاملاً به قوه مجریه  
راجع نمود.

ولی کوهسولا بمرکزیت اعمال و اقتدار وزیر مالیه یکدست اندازی جدیدی نمود .

از ابتدای سال دهم جمهوریّت وزارت مالیه در حقیقت به دو قسمت منقسم گردید یک قسمت بنام وزارت خزانه نامیده شده و دیگری بهمان اسم وزارت مالیه نامیده گردید .

قسمت اول شامل مشاغل خزانه داری معاملات و نقل و انتقالات نقدی .

ایجاد منابع عایدات فوق العاده و اداره پرداخت مخارج شده در قسمت دیگر اداره تشخیص و دریافت مالیاتها با و مربوط گردید این در اداره در امور مالیه که از سنه ۱۸۰۹ تا سنه ۱۸۱۵ وجود خارجی داشت در حقیقت یک امر طاعری بود زیرا مرکزیت امور مالیه که همیشه لازمه ملزوم کنار است ، شخص ناپلئون بوده و او شخصا کلیه امور مالیه فرانسه را اداره مینمود .

از ابتدای دوره نهم در سنه ۱۸۱۵ در موقعیکه ستولیت وزیرا بجای اصول اداره نمودن اشخاص مقرر گردید وزیر مالیه مرکزیت امور خود را بدست گرفته و از آن دوره تا کنون هیچ خللی تا آن راه نیامده است .

در این دن هاست از ۱۸۷۰ - ۱۸۷۱ بدلیل ترا که امور بانک طرح قانونی در هیئت مفتنه پیشنهاد گردیده و نظر از پیشنهاد طرح آن بود که مجددا وظایف مالیه تقسیم گردد . راجع بطرح مزبور این طور جواب داده شد .

(آیا بنمسئله قابل تصور است که وزیر خزانه منابع عایدات ممالک و برای تقسیم آن بشتمام نقاط ممالک میتواند اداره نمایند در صورتیکه اداره اخذ مالیات مثل اداره پرداخت مخارج در دست وزیر مزبور نباشد ؟

در وزارت مالیه تمام امور بهم مربوط تمام ادارات برای يك مقصود عمومی بیکدیگر کمک مینمایند .

مقصود عمومی عبارت از متناسب بودن و توافق متابه عایدات و مخارج دولت است .

(مجلس ملی ۱۳ دسامبر ۱۸۷۲) پیشنهاد مزبور رد گردید و دیگر آن موضوع تجدید نگردید .

چنانچه سابقاً در مرتبه کزیت امور و اقتدار وزیر مالیه را جریبه اجرای بودجه بعضی اوقات خللی وارد آمده امروز این مسئله مرتبه کزیت در فرانسه و تقریباً در تمام ممالک ثابت و قطعی است .

### \* . ۳ . حواله دهندگان

گفته اند : خرج نمودن عبارت از حکومت و ریاست نمودن است نظر باشک عایدات جز برای تهیه رفتار ک مخارج مصرف دیگری را دارا نیست پس در حقیقت مقصود قطعی و حقیقی معاملات و عملیات بودجه همانا عبارت از مخارج است .

مخارج دولتی بنوسط حواله کنندگان «مقصود وزراء است» و محاسبین «مقصود روسای مالیه است» مصرف میشود . حواله کنندگان اسناد طلبکاران دولت را ثبت و تنظیم و حواله نموده و محاسبین به بعضی رویت اسناد و حوالجات مزبور بدهی دولت را کارسازی میدارند . اگر حواله کنندگان و محاسبین «چنانکه توضیح داده شد مقصود از حواله کنندگان و وزراء و مقصود از محاسبین روسای مالیه است و ما بشرحی تحت اللفظی قناعت مینمایم» در امر مخارج شرکت دارند ولی اشخاص آنها بکلی از هم جدا و مشخص است و بهیچ وجه امتزاج و الحاق این دو شغل به یک شخص قبول



شده است .

همانطور که ملاحظه نمودیم در اغلب ادارت مالیات مابین تشخصیس  
کننده مالیات و وصول کننده آن فرق موجود و این در ماموران یکدیگر  
جدا هستند ، همینطور هم نسبت به امر استخراج بک سد نزر کی ما بین  
حواله دهنده و تأدیبه کننده کشیده شده است . و ظایف هر يك از دو کاملاً  
مشخص و چنانکه فرمان ۱۴ - سپتامبر ۱۸۶۲ بیان مینماید :

(مشاغل اداره کننده و حواله دهنده بکلی متفاوت و غیر قابل  
امتزاج با مشاغل محاسبین است ) نظامنامه ۳۱ - دسامبر ۱۸۶۲ نیز همین  
مضامین را مطلب را تجدید و عدم توافق این دو عمل را که از اصول اساسی  
مالیه فرانسه است تصحیح نموده است .

(ماده ۱۷) بعد ها در فصل بیست و هفتم اعمال و اجرای این اصل  
را در موقع تشریح و تفصیل اوصاف مشخصه حواله دهنده و تأدیبه کننده  
را خواهیم دانست ، فعلاً به تشخصیس این دو وظیفه مامورین دولتی اکتفا  
نموده و ابتدا از حواله دهندگان شروع بمطلب می نمائیم .

وزرا در وزارتخانه های خود فقط انتخاب می هستند که حواله دهنده  
تأمینده میشوند . تمام مسئولیت حوالجات صادره نسبت به اجرای قسمت  
مخارج بودجه آنوزار انتخابه بمهمه شخص وزیر است .

قبل از صدور حواله تعیین محاسبه است برآی توضیح مطلب گفته

میشود که باصلاح مالیات *Liquidation* بمعنای حقیقی تعیین میزان قرض  
دولت در مقابل هر يك از طایف کاران پس از مذاکره و مراجعه با اسناد مشتمله  
او است .

هر طلبکار دولت بابتی در موقع مطالبه طلب ابتدا شروع از تعیین  
محاسبه خود بنماید ( این مسئله را باید دانست که مامورین دولتی و

همچنین متقاعدین و صاحبان سهام استقراض دولتی محتاج به تعیین محاسبه بشرابطه مذکور نیستند زیرا رجوع بصورت های مواجب یا دفاتر دولتی تعیین حقوق و طلب آنها را نموده و حواله آنها صادر می شود ( نظر بانجام این مقصود اشخاصیکه برای دولت تهیه لوازم نموده یا قرار دادهائی بسته و یا بمزایده و مناقصه معامله نموده اند اسناد فاکتور یا دداشت تصدیق نامه ها و غیره و آنچه طلب آنها را ثابت و محقق می نماید حاضر نموده و موافق آن اسناد مبلغ طلب خود را معلوم می دارند و اثر مربوطه اسناد مذکور را کنترل و مذاقه نموده و نیز اسناد را با اوامر صادره مطابقت کرده و اطلاع از کارهای انجام شده حاصل نموده و بر طبق تحقیقات و رسیدگی خود میزان بدهی دولت را تعیین مینمایند پس از طی مراتب مذکور می توان گفت که میزان طلب اشخاص از دولت محقق و تعیین شده است .

پس از تعیین محاسبه صدور حواله است که بشرح زیر تفسیر گردیده است. حواله عبارت از صدور سندی است که بطلبکار دولت دریافت مبلغ معین طلب او را اجازه میدهد (۱)

مطابق شرح مذکور حواله عبارت از صدور سند نادیده وجه است این سند ممکن است از طرف وزیر شخصاً صادر گردیده یا توسط نمایندگان وزیر که حواله دهندگان درجه دوم نامیده میشوند صادر شود . در صورتیکه وزیر شخصاً سند مزبور را صادر و تمام نموده و بموجب آن سند طلبکار دولت وجه باید نادیده شود و وزیر بک حواله نادیده مستقیم

۱- نسبت به تفسیر حواله در ماده ۶ قانون محاسبات عمومی ایران اینطور توضیح داده شده است: حواله سندی است که بموجب آن دائن باید طلب مشخص شده خود را دریافت دارد (

بصاحب طلب تسلیم مینماید .

در صورت دوم وزیر يك حواله جمعی بنام حواله اعتباری به حواله دهندگان درجه دوم میدهد حواله دهندگان درجه دوم حواله جمعی مزبور را تقسیم و تجزیه نموده و برای هر طلبکار جداگانه يك برات تادیه صادر می نماید .

تمام حوالجات اصلا و اساسا از طرف وزراء صادر می شود امضای وزرا همینطور که در روی حوالجات مستقیم بوده و بصاحبان طلب داده میشود نسبت به حوالجات اعتباری نیز که برای حواله دهندگان درجه دوم فرستاده میشود امضای وزراء حتمی است .

حواله دهندگان درجه دریم عبارت از روسای ادارات و مامورین مهمه هر وزارتخانه هستند از قبیل حکام در وزارت داخله و روسای مهندسين پل ها و شوسه ها و معادن در وزارت قوائد عامه روسای مالیه ایالتی و ولایتی در وزارت مالیه مباشرین نظام و مدیران توپخانه و مهندسين نظامی در وزارت جنگ روسای محافظین جنگل ها برای اداره جنگل ها مدیر های حشم و مادیان های دولتی و تاسیسات فلاحی و غیره در وزارت فلاحت و رقس علیهذا . حواله دهندگان اولیه یا حواله دهندگان درجه دریم مخصوصا مامور این مسئله هستند که حوالجات تادیه را بدست شخص صاحب طلب برسانند .

حواله دهندگان مسئولیت خود مامور هستند که خلاصه حوالجات با بروائی را که بصندوق های خزانه صادر شده است بصاحبان آنها تسلیم نمایند ( نظامنامه ۱۸۶۲ تا ۱۸۶۴ ماده ۸۶ )

### ۴ - وظیفه محاسبین

همینکه طلبکاران دولت دارای حواله مستقیم یا حواله اعتباری گردیدند طمأ بداره تادیه حاضر میشوند در اینجا بلك طبقه مأمورین جدیدی که عبارت از محاسبین و محاسبین تادیه کننده باشند وجود دارند حال باید دانست وظایف و تکالیف آنها چیست .

وزیر مالیه همینطور که ریاست به کلیه مأمورین وصول عایدات دارد ریاست مأمورین تادیه و جوه نیز با اوست .

مأمورین تادیه در پاریس عبارتند از صندوقدار تادیه کننده هر گری خزانه و تادیه کننده هر گری استقراض عمومی در ولایات خزانه داران تادیه کننده عمومی .

که در دست آنها تحویلداران مخصوصه و تحویلداران بعضی اوقات تحویلداران عایدات غیر مستقیم نیز هستند مأمور میباشند چنانکه سابقاً گفته شد شغل تادیه کنندگان در سنه ۱۸۶۵ با شغل تحویلداران کل مزوج و متحد گردیده و بنام خزانه داران تادیه کننده عمومی نامیده گردید . مسؤولیت اداره و معاملات تادیه در هر ولایت مطلقاً راجع به خزانه دار تادیه کننده عمومی است و این مأمور تشخصاً طرف مرابطه و مسؤولیت وزیر مالیه است .

خزانه داران تادیه کننده عمومی ابتدا بلك اطلاعاتی از اداره معاملات و نقل و انتقالات نقدی نسبت به تمام حوالجات صادره به صندوقها دریافت می نمایند به علاوه خزانه داران هر روز بوسیله باد دانت هائی در مواقع معینه از طرف حواله دهندگان درجه دویم از میزان و مبلغ رجوع و محل تادیه که بآنها حواله شده است اطلاع حاصل میکنند بموجب

اطلاعات مذکور.

خزانه دار اقدامات لازم را در نادیه حوالجات صادره حوزه ولایتی

خود مینماید.

حوالجات در هر نقطه ولایت که باید تادیه شود ابتدا در اداره

خزانه دار ارائه میشود. خزانه دار تادیه کنند به محض رویت حواله

صادره مبلغ حواله را پس از انجام شرایط مندرجه در نظام نامه

تادیه مینماید.

شرایط مذکور از قرار ذیل است:

۱ - حواله صادره از میزان اعتباری که وزارت مالیه بار داده است

اضافه نباشد.

۲ - اسناد مثبت منضمه به حواله مستقیم یا ادرات اعتباری موافق

با مندرجات آن بوده و اختلافی درین نباشد.

۳ - صاحب طلب هویت خود را ثابت نموده و قبوض رسیده بدهد.

حوالجات با پروات اعتباری که خارج از مرکز ولایت باید تادیه

شود همین که صحت آن معلوم گردید با امضای خزانه دار مزبور رسیده

ملاحظه شد پرداخت شود و محل آن از سرقه بکنکه بمنزل صاحب

طلب نزدیک باشد تعیین میشود.

جمله ملاحظه شد پرداخت شود. بیه از طرف خزانه دار

تادیه کنند بر روی حواله گذارده شد طلبکار درات معازات

است که مبلغ طلب خود را در هر نقطه ولایت که برای او سهل تر است

در یافت نماید.

این بود سلسله مراتب حواله دهندگان و نادیه کنندگان که نسبت

باجرای مخارج و وظایف خود را انجام میدهند.

## ع. وظایف وزیر مالیه نسبت به مخارج

برای مذاقه و تحصیل اطلاعات کافی از کلیه مراتب امور راجعه بمخارج بهتر آن است که تا مقام وزیر مالیه نیز سیر نمائیم زیرا چندان که سابقا بیان گردید اجرای بودجه بدست وزیر مذکور مرکزیت یافته و انجام میشود و مناسبت مقام خود وزیر مالیه شخصا یا توسط عامورین خود بدهی دولت را تعیین نموده حواله صادر کرده بمخارج دولتی را تادیه مینماید و وظایف وزیر مالیه عبارت از مطالب ذیل میباشد :

۱) مرتب کردن و تقسیم و توزیع نمودن وجوه لازمه برای مخارج دولتی بطوریکه در تمام خاک فرانسه نسبت بشادیه مخارج مبالغ کفایه موجود و تهیه شده باشد

۲) نظارت و مراقبت کردن در اینکه از اعتبارات مصوبه هیئت مقننه خرجی اضافه نشود

۳) مطمئن شدن از اینکه وجوه پرداختی حقیقه بدست طلبکار دولت رسیده است

قبلا در موضوع اداره نمودن نقل و تحویل وجوه برای تهیه پرداخت مخارج در تمام خاک فرانسه مطالعه کردیم حالیه نیز شروع به تشریح وظیفه اولیه وزیر مالیه نموده و میخواهیم بدانیم که بر طبق چه اساس و موافق چه اطلاعاتی این نقل و تحویل وجوه صورت وقوع حاصل مینماید

وزیر مالیه ابتدا اطلاع از همکاران خود حاصل نموده اوقات و نقطه‌یکه باید وجه تادیه شود مسبق میگردد

این اطلاع یکی از لوازم کار وزیر مالیه است. نظر بانجام ایتمقصود وزیر مالیه همراهه سورتی از سایر وزارتخانه ها تقضا نموده که در آن

صورت مخارج احتمالی ماه آینده خود را معلوم نمایند تا اینکه جمع آن مخارج را با منابع عایدات دولتی همان وقت مطابقه و مقایسه نمایند چنانچه از مطابقه و مقایسه مخارج و عایدات معلوم گردید که در آن قادر بشاد به مخارج آینده می‌شود و وزیر مالیه صورتی بر رئیس قوه مجریه پیشنهاد نموده و در آن صورت تقسیم وجوه برای تادیه مخارج و حکم اجرای آن از طرف رئیس الوزراء صادر میگردد

تقسیم ماهیانه وجوه دولتی در نظامنامه ۳۱ م ۱۸۶۲ بر ترتیب ذیل معین گردیده است هر ماهه وزیر مالیه در طبق تقاضا مطالبه سایر وزراء تقسیم وجوه یکمتر از نختانه صادر ماه آینده می‌نماید صرف نمایند رئیس قوه مجریه پیشنهاد می‌نماید

(ماده ۶۱) حکم تقسیم ماهیانه وجوه به فقط برای آنستکه وزیر مالیه را مطلع از احتیاجات همکاران خود بنماید بلکه بلکه نوع تمهیدی است که وزیر مالیه در وقت نقطه معین برای تدارک وجوه لازم جهت تادیه مخارج می‌نماید و موافق آن حکم وزراء حواله نشده از روی اطمینان خاطر حوالجات مخارج وزارت نختانه خود را در حدود میزان مصوبه صادر می‌نمایند

زیرا در حالی که مبلغ اقساط ماهیانه در حکم رئیس الوزراء معین و تصویب شده است تادیه و مرتب و منظم آن وجوه نیز محل اطمینان است

مطابق همین حکم است که نقل و تحویل وجوه مابین خزانه مرکزی و خزانه داران ولایتی واقع گردید و چنانکه قبلا هم ذکر شد بهر نقطه وجه لازم باشد ارسال میدارند

وظیفه دویم وزیر مالیه نسبت بمخارج دولتی ما را بیک قسمت عمده اجرای بودجه نزدك مینماید. مراقبت نمودن در اضافه نشدن اعتبارات مصوبه هیئت مقننه و اینکه هیچ خرجی بدون اعتبار مخصوص مصرف نگردد. و با اینکه خارج از اعتبار خود فصل از اعتبار فصل دیگر مصرف نشود. در حقیقت این وظیفه محترم شمردن و اطاعت نمودن اوامر قوه مقننه در تمام جزئیات مهمه مقررات پارلمانی است. اولین سد سدید برای جلوگیری از افراط و تفریط و مقابله نمودن بمقررات بودجه همانا مسئولیت وزراء است ابتداء مسئولیت وزراء حواله هفتمده و پس از آن مسئولیت وزیر مالیه این دو مسئولیت از دوره تجدید

بموجب قانون ۲۰ مارس ۱۸۶۷ برقرار گردیده است. ماده ۹۵۹ وزراء بمسئولیت خود نمیتوانند خارج از حدود اعتبار خرجی بنمایند. ماده ۲۰۱ و وزیر مالیه بمسئولیت خود نمیتواند تا بده مخارج اضافی را اجازه دهد. . . . .

نظامنامه ۳۹ مارس ۱۸۶۲ بمضمون بهتری متن قانون مزبور را تفسیر نموده است. ماده ۴۶ و وزراء بمسئولیت خود نمیتوانند خارج از اعتباراتی که بهر يك از آن ها داده شده است خرجی بنمایند ماده ۴۲ و وزیر مالیه بمسئولیت خود نمی تواند علاوه از اعتباراتی که بهر يك از وزراء داده شده است نادیده وجهی را اجازه دهد.

بر رفق مقررات مذکوره و وزراء ابایستی خارج از اعتبارات مصوبه هیئت مقننه حواله وجهی داده و وزیر مالیه نیز نباید بمسئولیت خود نادیده آنرا اجازه دهد. مقصود از مسئولیت چیست؟ مجازات و مواخذه این مسئولیت تا چه درجه است؟





و کمی تعقیب و مطالبه بقایای يك وزیر را خواهد نمود یا آیا مواقع و مواردی است که تحقیقاتی در موضوع آن حکم عمومی داده شده یا اینکه بدون تشخیص موارد مختلفه هر مبلغ که از میزان اعتبار تجاوز نموده دریافت خواهد شد میتوان گفت که ماده ۹ قانون ۱۵ مه ۱۸۵۰ با نداشتهن این ضمایم لازمه فقط بطور تهدید در قوانین مملکت متدرج و مضبوط است ولی در هر صورت نبایستی این تهدید را فقط لفظ تصور نمود زیرا وزراء همیشه دارای این واهمه هستند که چنانچه از میزان اعتبارات مصوبه اضافه خرجی نمودند ممکن است تفسیر حکامال نری از ماده مزبور گردیده و ضرر آن مخارج گریبان گیر آنها بشود.

برای دفع و رفع نتایج سوء احتمالی مسئولیت وزراء مقررات ذیل در داخله وزارت خانهای حواله شده و همچنین در وزارت مالیه قبول و برقرار گردیده است:

تمام وزارتخانه ها بایستی دارای يك محاسبات مرکزی بوده و محاسبات مذکوره مطابق قواعد عمومی و بیک طرز ترتیب و تنظیم شده ( ماده ۲۹۶ نظامنامه ۳۱ مه ۱۸۶۲ ) و در روزنامه و دفتر کل تمام معاملات و تفریق محاسبات و حوالجات را ثبت نمایند + معاملات مزبوره بماند این عمده ذیل در ستونهای متعلق بهر يك خلاصه میشود

۱) میزان اعتبارات مصوبه قوه مقننه بطور فصول

۲) میزان طلب هائیکه معین و تفریق شده است

۳) میزان حوالجات صادره .

۴) مبلغ پرداختی .

با بودن چنین محاسبات مرکزی وزراء در تعیین و تفریق و

صدور حواله لزوماً میزان اعتبارات مصوبه را همیشه در مد نظر داشته  
 زیرا ستون ۴ میزان اعتبارات مصوبه قوه مقننه بطور فصول ۴ آمو  
 فرمان روی سایر ستون ها است. حواله دهنده ناچار است که در موقع  
 تعیین و تقریق محاسبه دائماً مبلغ حوالجات صادره را با میزان اعتبارات  
 مصوبه تطبیق نماید و در این صورت هیچوقت مبلغی اضافه بر اعتبار  
 حواله صادر نگردد مگر این که، لیاقتاً در امور جاری واقع شده یا واسطه  
 غفلت و اهمالی بشود که در این صورت غیر قابل عفو خواهد بود.  
 این برد مقرررات اولیه محاسبات وزارتخانه های حواله دهنده که نسبت  
 به مسئولیت وزراء این طرز واحد و عمومی برای تمام وزارتخانه ها  
 ایجاد گردیده است

مقرررات ثانویه مخصوصاً راجع به مسئولیت وزیر مالیه است. وزیر  
 مالیه بتوسط اداره معاملات کل و جوه در وزارتخانه خود مطابق بودجه  
 ابتدائی و اعتبارات ضمیمه، تغییرات بعد که واقع گردیده تمام اوضاع  
 و معاملات اعتبارات بودجه را فصل بفصل مرتباً ثبت میدهد. پس از آن میزان  
 حوالجاتی که به محض صدور از طرف سایر وزارتخانهها بوزارت مالیه فرستاده  
 میشود مطابقه با میزان اعتبار مصوبه میباید. چنانچه این حوالجات  
 در حدود اعتبارات مصوبه پارلمانی بوده در حکم تقسیم اقساط ماهیانه  
 نیز تعیین و منحرج گردیده است وزیر مالیه حواله را اعضاء میکنند  
 چنانچه، ر خلاف میزان حواله اضافه از اعتبار فصلی باشد بوزیر حواله  
 دهنده اطلاع داده میشود که مبلغ اضافه بر ماخذ اعتبار را نمیتوان  
 قبول نمود و در این خصوص اعتبار ضمیمه و اجازت پارلمان لازم است  
 و نیز اگر مبلغ حواله اضافه از میزان باشد که در حکم تقسیم اقساط  
 ماهیانه مقرر گردیده اضافه آن ساء بعد انتقال داده میشود.

هیچ حواله‌وزیری (حتی وزیر مالیه) بدون امضای قبلی اداره معاملات کل و جوه بجز بر بنیاد نیفتاده و پس از آنکه هر حواله با امضای اداره مزبوره رسید وزیر مالیه آن حواله را مجدداً بوزارتخانه مربوط ارجاع می‌نماید تا اینکه خواه مستقیماً خواه توسط حواله‌دهندگان ثانوی وزارتخانه مربوطه حواله را بصاحب طلب برساند پس از آن نیز برای هر خزانه دار ولایتی خلاصه میزان حوالجات صادره در حوزه ولایتی را در یک ورقه اجازه نامه تادیه از طرف وزارت مالیه ارسال می‌شود.

ارسال خلاصه حوالجات که در روی یک ورقه اجازه نامه جمع بندی شده اساس اعتبارانی است که تادیه و جوه از طرف خزانه داران ولایتی از حدود آن اعتبارات بایستی خارج شود خزانه داران از میزان اعتبارانی که اجازه پرداخت آن داده شده حق بیرون آوردن وجهی از صندوق خود ندارند. نبودن اجازه نامه در حقیقت مثل خالی بودن صندوق است.

همیشه طلبکاران دولتی دارای اسناد تادیه بوده و پرداخت کنندگان و جوه نیز موافق مقررات مذکور از وجوهانی که باید تادیه شود اطلاع حاصل نمودند دیگر مطلبی جز تادیه وجه از یک طرف اخذ آن از طرف دیگر باقی نمی‌ماند.

در اینجا است که وظیفه سوم وزیر مالیه مورد عمل واقع گردیده و چنانکه قبلاً ذکر شد این وظیفه عبارت از اطمینان حاصل نمودن در تادیه وجه بدست طلبکار حقیقی دولت است.

نظر بانجام این مقصود وزیر مالیه بایستی شخصیات توسط عامورین خود ابتدا هویت طرف را شناخته و پس از آن مطمئن شود که تادیه وجه حقیقتاً باری از دوش دولت بر میدارد باین معنی که فرض دولت

ادا شده است. ترتیبات واجبه شناختن هویت طرف توایند اشکالاتی نمیتواند تادیه کننده رجوع از حامل هر حواله که برای اخذ مبلغ بمتذوق حاضر میشود تقاضای نبوت هویت آوردن نموده که خواه بتوسط شاهد خواه بواسطه اسناد هویت یا از روی تواتر معلوم و ثابت نماید که شخص طلبکار صاحب حواله یا نماینده مجاز از طرف او است.

همینکه دلایل مضمته خود را بیان نمود طلبکار یا نماینده او حواله یا بر اثر آن در حضور تادیه کننده امضای قبض رسید نماید چنانچه سواد نداشته و نتواند امضاء کند علامتی گذارده و دو شاهد تصدیق آنرا نمایند در صورت فوت صاحب طلب اسناد معمولی راجع به نبوت دریافت خواسته میشود.

احتیاجات مذکوره راجع معتبر بودن قبوض رسید خیلی سهل و از جمله لوازم کار است نظامنامه ۳۱ مه ۱۸۶۲ در ماه دهم چنین بیان میکنند.

« هیچ وجهی نباید تادیه شود مگر بطلبدار حقیقی دولت که حقوق خود را ثابت نموده باشد تادیه وجه در مقابل خدمت کار انجام شده است »

این کلمات اخیر ماده هارا بطلب مذکور فوق در خصوص قسمت دوم اطاعتان در تادیه بده حقیقی دولت سوق میدهد و مسئله عبارت از رسیدگی باستانی است که بر طبق آن خدمت کار انجام شده تصدیق شود. رسیدگی باسناد مشتمله ضمیمه حوالجات و بروات اعتباری که از طرف وزیر مالیه بایستی شود بدین ضمیمه و معارضه قبول نشده است و رزاع حواله دهند در ابتدا این مسئله را بکنوع دخالت در امور داخلی

آنها و سلب اقتدار و استقلال وزارتى خود میدانستند در اواخر سنه ۱۸۶۱ در کمیسیون مخصوصی که برای امور مختلفه محاسبات عمومی تشکیل یافته بود وزیر جنگ اینطور بیان عقیده نمود \* که بمناسبت مقام حواله دهنده بایستی استاد مشبه مخارجی را که حواله داده است مستقیماً در وزارتخانه خود حفظ نمایند زیرا این اسناد در حقیقت اسناد مشبه حوالجاتی است که او صادر نموده و این اسناد دلایل مشبه محاسباتی است که از عملیات و معاملات خود بمقام سلطنت و به مجلس تقدیم نموده است و در صورت لزوم وسیله برای دفاع خود در مقابل اهمیت خواهد بود \* به علاوه وزیر مزبور میگفت مسئولیت وزراء حواله دهنده برای اطمینان از اجراء اعمال اعتبارات بمخارج حقیقی در است کافی بوده و از طرف دیگر برای وزیر مالیه نسبت بشرفیه و تنظیم تادیه و جیره همان حوالجات وزراء و قبوض دریافت کنندگی کفایت مینماید . زیاده از این خواستن حق قضوت دادن بوزیر مالیه نسبت بهم گزاران او است .

کمیسیون مزبوره دلایل مخصوصه وزیر جنگ را قبول ننموده اینطور بیان عقیده نمود که اولاً تادیه کنندگان وجه قضوت در عمق مسئله ننموده بلکه رسیدگی باسنادهای مینماید که آن اسناد نوشته و حاضر شده و بایستی ظاهر آن مطابق با قواعد و نظامات مقرر باشد

ثانیاً وزراء حواله کنند همیشه میتوانند مستقماً برای خود تمام اسناد همدمانی و تمام مینوتها و نوشتهجات تعیین و تفریق محاسبه رانگاه دارند هیچوقت اصل اسناد مطالبه نشده بلکه با ارسال سواد کفایت می شود .

همینکه سوءظن و وزراء نسبت به غضب حقوق و استقلال داخلی

آنها رفع گردید کمیسیون فواید احاری و پارلمانی رسیدگی اسناد را از طرف وزیر مالیه تشریح نموده است . ۲۰ آبا لازم یا مقید نیست که در موقع تقدیم و راپورت و محاسبات وزراء حواله کننده بمقام سلطنت و پارلمان وزیر مالیه نیز از طرف دیگر بتواند تصدیق نماید که حوالیهات نسبت بمشاغل و امور واقعه صادر گردیده و تادیه وجوه بار دوش دولت را سبک نموده و ادای دین دولتی را شامل بوده است ؟ ۲۱ بالاخره مطابق دلائل کمیسیون وزیر مالیه نسبت بمسئولیت شخصی خود و همچنین نسبت بقوائد کنترل پارلمانی نمیتواند چشم بسته تادیه وجهی نماید . از همین نقطه نظر نظامنامه ۱۴ سپتامبر ۱۸۶۲ در ماده ۱۰۵ خود تصدیق مطالب مذکور را نمود :

هر خلاصه حواله تادیه یا هر برات اعتباری یا رسمی ( برای اینکه در یکی از صندوق های خزانه پرداخت شود ) دارای اسناد مشابه باشد حتماً بموجب آن اسناد معلوم شود که تادیه آن وجه در مقابل تمام یا يك قسمت از قرض حقیقی دولت است . مضمون این ماده نیز در نظامنامه ۳۱ و ۱۸۶۲ مندرج است ( ماده ۸۷ ) همین اسناد مشابه مذکوره بنا بدلتواء تادیه کنندگان وجوه نسبت بلکه يك جدول رسمی تعیین نوع اسناد را راجع بهر خرج و وزارتخانه مینماید اسناد مشابه مذکوره در ماده ۸۵ و ۸۷ بمشابهت انواع خرج در صورت و جدولیکه مستقیماً از طرف وزارت مالیه و وزارتخانه های حواله دهنده تهیه شده تعیین گردیده است ( نظامنامه ۳۱ مه ۱۸۶۲ ماده ۸۸ ) این اسناد مشابه عموماً عبارت از صورتهای مجالس مزایده و مناقصه خرید ها قرارداد ها صورتهای تحویل گرفتن کار ها زرع نمودن ساختمانها یاد داشت ها و غیره و غیره است نوشتن از روی اوراق مزبور سبب آن میشود

که تادیه کننده رجوع اطلاع از کیفیت مطلب حاصل نموده و خواهد فهمید که آیا حواله صادره مطابقت با مندرجات اسناد مینماید یا خیر و باین وسیله از اشتباهات و محل های غلط و شبیه باین مطلب که خطرناکترین آنها با سم بروات تقلبی نامیده میشود بقدر امکان جلوگیری میگردد.

\* ۵. حق مطالبه تیکه بحواله دهندگان داده شود

### مسئولیت تادیه کنندگان

پس از آنکه در وظایف وزیر مالیه راجع با اداره نمودن وجوه دولت و نقل و تحویل آنها برای مخارج لازمه و اطمینان آنکه از حدود اعتبارات مصوبه قوه مقننه تجاوز نشده و بالاخره وجه بدست خود طلب کاران دولتی تادیه شده است مطالعات نمودیم در حقیقت بیان وضعیت مخارج تمام گردیده است ولی چون مختصری هم لازم است در خصوص حق مطالبه حواله دهندگان گفته شود توضیحات ذیل معروض میگردد در واقع ممکن است که اسناد شبیه بنظر تادیه کننده وجوه صحیح بود یا اینکه تادیه کننده نردیدی در هويت مطالبه کننده نموده یا در قسمت امضای حواله مردد بوده یا آنکه ارقام حواله مستقیم یا برات اعتباری با ارقام اسناد ضمیمه آن مطابقت نموده خلاصه بلکه شرایط مندرجه در نظامنامه مقرره کاملاً در حواله و اسناد ضمیمه مراعات نشده باشد لزوماً در مقابل عدم صحت حوالجات یا کافی نبودن مراتب مقرره محاسب (مامور مالیه) ابتدا مضایقه از تادیه وجه نموده پس از آن بلافاصله مطابق نظام نامه و قواعد مقرره حواله دهندنده را از کیفیت مسئله مسبق



می دارد،

حواله دهنده میتواند در آن موقع چنانچه لازم بداند مطالبه وجه را نموده یعنی مامور مالیه را مجبور بقادیه حواله مینماید چنانچه حواله کنندۀ مطالبه وجه را کنیا بنماید و مسئولیت خود نادیه آنرا بخواهد نادیه کنندۀ بلافاصله و مهلت وجه را پرداخته و لازم است در اینموقع فوراً بوزیر مالیه مراتب را نیز اطلاع دهد چنانچه مطالبه راجع بقادیه خرجی باشد که از بابت آن خرج اعتباری باقی نمانده یا اینکه مربوط بپرداخت وجهی باشد که قسمت سند آن محل تردید یا انجام خود موضوع تصدیق نشده باشد رئیس مالیه قید از اطاعت و از امر وزیر حواله دهنده بایستی فوراً مطالب را بوزیر مالیه رجوع نماید تا اینکه اتفاق نظر مابین وزیر مربوطه و وزیر مالیه حاصل شود ماده ۹۱ نظامنامه ۳۱ م ۱۸۶۲ مطابق این ماده در صورت نبودن اعتبار با عدم تصدیق انجام خدمت در موضوع حواله یا تردید در صحت سند مامور نادیه کنندۀ مستدوق خود را برای چنین مواردی بستمه و با وجود مطالبه حواله دهنده ابتدا وجهی را نمی پردازد فقط وزیر مالیه که از مطالب مستدوق میشود بایستی با اتفاق وزیر مربوطه حل مسئله را بنماید در تمام سایر موارد (از قبیل ظن در بروات یا مشکوک یا تا حریف اوراق منضمه یا فراموشی اعضاء و مهر و غیره) مطالبه کتبی حواله دهنده و تعیین اینکه مسئولیت خود حواله دهنده باید وجه نادیه شود کافی بوده بایستی فوراً بدون مهلت مبلغ حواله پرداخته شود مامور مالیه پس از نادیه وجه فقط اظهار اولیه خود را در عدم تادیه و مطالبه کتبی حواله دهنده را بحواله یا برات اعتباری ضمیمه می نماید.

این حق مطالبه و دریافت که بحواله دهنده داده شده مخصوصاً در موقعیکه باید فوراً امر او بموقع اجرا گذارده شود منطبقاً رشته امور اداره را متزلزل مینماید این مسئله بمنظر غریب و خارج از منطبق است صکه حواله دهنده اینکه مسئولیت ارقطعاً و سرریحاً مملوم نگردد در داری چنین اقتداری باشد که باوجود مخالفت حافظ و نگاهبان سندوق دولت باز امر به تادیه مبلغ حواله خود بشماید چنانکه بیان نمودیم در بعضی موارد دقیق بایستی قبلاً برزیر مالیه اطلاع داده شده و رای و اجازه او خواسته شود ولی این مراجعه استثنائی بآنچندان موثر واقع نمیشود.

بعقیده ما این موضوع مبهم و تاریکی است که در تشکیلات مالیه فرانسه که آن تشکیلات غیر قابل مذمت است وجود دارد فقط عذریکه باعث بقای چنین مقررات خود سرانه در نظامات و قواعد فرانسه است همانا کسی اعمال و اجرای این ترتیب و بنا بر این بندرت افراط و تفریط ضرر هائی ممکن است حاصل شود این مسئله هم باز بمنظر ما خود دلیل الغاء مقررات مذکور است ما بزودی ترتیباتی که در خارجه در این موضوع داده اند مطالعه نموده و خواهیم دانست که تا چه اندازه موافق قواعد مشروطیت این امر حل گردیده است.

از طرف دیگر مقررات ماده اخیر قوانین مالیه که سالیانه رای داده میشود در خصوص مجازات مربوط به دریافت کنندگان مالیاتی است که برخلاف قانون رفتار نموده اند (ماده اخیر قوانین مالیه سالیانه در فصل یازدهم این کتاب مندرج است) تادیه کنندگان نیز که برخلاف اوامر قوه مقننه رفتار نموده بایستی مثل تحصیلداران و مأمورین وصول در تحت همان قانون مجازات واقع گردند در حقیقت این يك نفس قانون بوده و لازم است که از این نقطه نظر قانون مزبور اصلاح شود.

# فصل بیست و پنجم

مخارجی که بدون اختیار شده است  
لا یجوز فوراً - کنترل برای جلوگیری

## از تجاوزات

۱ - اول - برخلاف قواعدی که نسبت بقوانين و قواعد مذکور قبل واقع گردید تا الان سفره شاه مسیو دمیرا در سنه ۱۸۲۸ تجاوز از اعتبارات مرسومه در دوره حکومت ژوئیه تجاوزات حاکمه - اوصاف آنها - و در اینکه خارج از حدود اعتبار تهیه خرجی را می نمایند مخصوصاً مورد اتهام هستند

۲ - دوم - تواجیح رفوریکه پیشنهاد شده است مداخله میلسین در اجرای بودجه تاسیس یک کنترل دائمی در داخله وزارتخانه های مختلفه

۳ - سوم کنترل برای جلوگیری از ارتکاب خلاف قوانین در ممالک مختلفه و وظیفه کنترل عمومی :

مراغه داری و نادیده کشیده عمومی بیان کلیه امور را چون به خارج دیوان معاسبات در بزرگت مخصوصاً در ابطالیا امضاء قبلی احکام وزارتت که ممکن است تهیه خرجی در آن بشود تحت سوالجات مزایای این تشکیلات که میتوان در فرانسه نیز مرسوم داشت خانه اجرای بودجه

۴۴۵

تشکیلات دست معارج در فرانسه اگرچه از روی منطبق ترکیب یافته میباشد در واقع مصافحه اردوخته های آن تشکیلات خلاف نظاماتی ۴۴۵ ر بوده که در شرح مختصر آنرا بیان مینمایم :

پس از آن لوای رفوریکه بهارلمان تقدیم گردیده خلاصه نموده و همچنین اطلاعات راجع به رفوریکه از قوانین ممالک خارجه بدست میآید ذکر میکنیم

## \* اول. تاریخ تجاوزات از اعتبارات

مشهور ترین دست اندازی که قواعد راجعه بمخارج در فرانسه واقع گردیده ولو اینکه از حیث مبلغ آنرا مهمترین مسائل نمیتوان شمرد همانا تعمیرات ابنیه وزارت عدلیه است (سنه ۱۸۲۷)

مسیو دپیرونه شهردار در يك قسمتی که به هونل دولابلاس و اندم از طرف کوچه لوگذا امپورگگ اضافه نموده بود مامورین دولتی را که تا آنوقت در طبقه اول هونل منزل داشتند جدا داده و آن طبقه اول را که از ادمانده بود تالار سفرمخانه خود نمود چون در ۳ ژانویه ۱۸۲۸ از کار متفصل گردیده وقت آنرا هم نداشت که و کلا را در تالار سفرمخانه دعوت بطعام نماید محاسبات این تعمیرات هم تعیین و تفریق نگردیده بود مسیو پرنالیس جانشین مسیو دپیرونه مطلب را کشف نموده که شروع بایشکار بدون اعتبار نموده و باین مناسبت بحوالجات راجع آن مخارج را که بالغ بر ۱۶۵۸۶۵ فرانک بود امضاء نموده و برای تحصیل اعتبار مبلغ مزبور مطلب را بدارلمان رجوع نمود \*

معین است که تقاضای چنین اعتبار اضافی سبب هیجان نمایندگان گردیده این خرجی بود که بدون اعتبار واقع شده و این موقعی بود که مسئولیت شخص وزیر مورد مواخذه قرار داده شود قانون ۲۵ مارس ۱۸۱۷ را که مواد آنرا سابقا ذکر نمودیم بمیدان آورد.

ولی چنانکه بخاطر داریم قانون مزبور فقط از مسئولیت وزیر تذکری نموده بدون آنکه حل مسئله را نموده باشد با وجود مذاکرات فصولیکه در اینخصوص بعمل آمده مجلسین موفق به تعیین مجازاتی که شامل چنین موردی میشود نگردیدند \*

بالاخره صندوق مهر داری که يك قسم از وجوه مخفیة بود که بنا  
با فوقت خارج از بودجه وجود داشت ( و بعد این صندوق هم به بودجه  
ملحق گردید ) و عایدات آن راجع به بودجه سلطنتی بود بدون بودن  
يك اعتبار قانونی مبلغ ۶۷۹۸۶۵ فرانك مصرف شده را پرداخت نموده  
و مطلب باین ترتیب خاتمه یافت .

از نقطه نظر موضوع مالیه ما این نکته اساسا قابل تذکر است  
واقعه تلار سفره خانه مسیو پیرانه اندابامور راجعه به مخارج بودجه خلملی  
نرمناید زیرا در حقیقت هیچ وجهی بدون اعتبار پرداخته نشده است  
است وزیر شخصا ضبط نموده و سفارش تعمیراتی بدون اجازه پارلمانی داده  
بود خوشبختانه مبلغی هم از صندوق مملکت از این نامت خارج نگردیده  
است در ایبرت قانون تفریق محاسبات سنه مالیه ۱۸۲۸ که بمجلس  
شورای ملی از طرف وزیر مالیه در ۵ نوامبر ۱۹۳۰ تقدیم گردیده در  
اینخصوص شرح ذیل ذکر شده است :

مشارجیکه از طرف متصدیان این تعمیرات مصرف گردیده پرداخته  
شده بود در سنه ۱۸۲۹ از بابت وجوه مخفیة طلب آن ها تادیه  
گردید و معذرت نیز کارهای آنها قیمت املاک دولت را اضافه نموده بود  
در سنه ۱۸۳۰ در ایام اغتشاش ماه ژویه صندوق مرکزی خزانه بر حسب  
امر مستقیم وزیر مالیه وقت مبلغ ۵۹۰۳۷۱ فرانك برای حقوق قشونیکه  
طرفدار شارل دهم بودند تادیه نمود .

مواردی دیگری هم که کمتر دارای اهمیت هستند در تاریخ  
مالیه فرانسه وجود داشته حتی در ایام اخیر هم این بی ترتیبی ها تجدید  
گردیده است .

راجع بتقاضای اعتبار اضافه مبلغ ۰۰۰۰۰۰۰۰ فرانك برای

تنظیم نمودن محاسبات سنه ۱۸۸۲ء نسبت بمخارجیکه بدون اعتبار شده بود در فصل هیفدهم ذکر می نمودیم اخیرا نیز يك واقعه دیگری مورد اعضاء پارلمانی گردید در فصل ۲۰ و ۲۴ وزارت بحریه راجع بخرید کشتی های تجاری و اریبور که برای سنه ۱۸۸۸ مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ فرانک اعتبار داده شده بود در آخر سال مزبور ۴۰۰۰۰۰۰۰ صرف شده و از میزان اعتبار مبلغ ۸۰۰۰۰۰۰۰۰ فرانک اضافه خرج گردیده بود موضوع مسئله مهم مبلغ هم بزرگترین مبالغی است که تا کنون ذکر نموده ایم رفتار وزیر بحریه از طرف انفاق مجلسین مورد ملالت شده حتی بعضی از اعضاء هم قانون ۱۵۰۰۰۰۰۰ را که سابقا بیان گردیده مدرك قرار داده و مسئولیت نقدی متوجه وزیر مزبور می خواستند بنمایند \*

ولی الاخره اکثریت مایل اصلاح امر شده و بلك اعتبار اضافی تصویب گردید \* در اینجا هم لازم است این نکته را متذکر شویم که هیچ وجهی بدون اعتبار تادیه نگردیده بلکه فقط وزیر بر خلاف ترتیب رفتار نموده و سفارش بی محلی داده است \* زیرا تادیه وجوه اضافه از حدود اعتبارات مصوبه نشده و طلبکاران دولت انتظار رای مجلسین را داشته نا اینکه حواله طلب آنها صادر شود \*

## ۲۵. لوایح رفوم

نظر باینکه وزرا غیر از مسئولیت شخصی که آنها کافی از مسئله نیست موانع دیگری نداشته و بواسطه يك سفارش کتبی یا شفاهی ممکن است مخارج مهم خارج از حدود اعتبارات مصوبه پارلمانی امینداغلب لوایح رفوم این موضوع را تعقیب نموده است \*

ابتدا نظر این بود که بجای حق تقدم و اولویت وزیر مالیه اقتدار مجلس شورای ملی را نسبت با اجرای بودجه زیاد نموده تا اینکه مجلس نظارت و مراقبت کاملی در معاملات دولتی داشته باشد \*

کمیته های خزانه داری که سابقا راجع بانها بیاناتی نموده ایم از همین نقطه نظر در دوره مجلس عهد انقلاب امور مالیه را در دست اقتدار خود گرفته حواله دهندگان را در تحت قضاوت آورده حتی بجای آن ها حواله رانیز کمیته ها صادر نموده و از هر نوع اضافه مخارجی که خارج از حدود بودجه بود جلو گیری میکردند در پیش نهاد مسیو برلیسن حکه از طرف ریور این پیشنهاد تمسب گردید اینطور بیان میشود :

در تشکیلات حالیه فرانسه روسای مالیه با انواع اقسام کنترل میشود ولی نسبت بحواله کنندگان ( مقصود وزرا است ) نه فقط اشخاص هستند که اعتبارات مصوبه مجلس در دست آن ها است چنین کنترلی برقرار نگردیده است \*

چنانچه مجلس خود را در اجرای بودجه بی مداخله نمایندهای در بودجه يك خیال واهی و امید باطلی است وزراء نظریه کشش و بسط فصول برای اقدام و انجام مخارج غیر مصوبه هر نوع تسهیلاتی را دارا هستند \*

يك لایحه دیگر مطلب را بجائی میرساند که حتی قوه مجریه را از وظیفه اساسی خود ( اجرای بودجه ) محروم میکند \* لایحه مزبوره معایب طرز مالیه را از جمله سهولت تمهیدات مخارجی که وزراء با روسای ادارات علاوه بر مقررات فصول بودجه می نمایند معلوم داشته و برای جلو گیری از این اقرا و تقریبط در داخله هر وزارت خانه ایجاد يك شعبه کنترل مینمود \*

شعبه مزبور که بتوسط يك مفتش ماليه ميبايستی اداره شود وظيفه او عبارت از « مراقبت و دقت در حفظ و رعایت قوانين و نظامات بودجه . . . . تمام لوايح مخارج ادارت و حوائج مختلفه بایستی بآن شعبه رجوع شود » هر حواله رسید بایستی در آنجا رسیدگی گردیده و از نقطه نظر قانونی بودن و صحت مسئله تحقیقات بعمل آمده و پس از این که اطمینان از مطابقه عمل با مقررات قوه مقننه کاملا حاصل شد رئیس شعبه امضای سند و حواله را نماید . . . . مأمور کنترل مذکور باید صاف رساله این مسائل را تصریح نماید . که اقدامات قانونی بوده و محل های مخارج از روی قاعده و در حدود اعتبارات مصوبه است . . . . طرح قانونی پیشنهاد مسیو پرادن نماینده مجلس در ۱۷ مه ۱۸۸۸

اخیرا نیز يك طرح قانونی دیگری که از طرف سه نفر نمایندگان مجلس پیشنهاد گردیده کنترل وزیر مالیه را در مخارج تأمین و تقویت می نماید .

طرح مزبور پس از بیان اینکه وزیر مالیه اطلاعی از مخارج بدهکاران خود حاصل نموده و از آنها تا یک نسبت بمخارج آید همینما یزند هیچ مسجوق نمی شود اینطور مطلب را خواننده میدهد تا سیس يك اداره کنترل مخارج دولتی در وزارت مالیه که وظیفه آن اداره رسیدگی و تحقیق در هر خرج نسبت بقانونی بودن آن و اطمینان از اینکه نقض هیچ قانونی نگردیده و مبلغی که باید نادیده شود علاوه از اعتبارات بودجه نبوده و از محل خود مصرف میشود .

بعلاوه رئیس محاسبات هر وزارت خانه نیز پیشنهاد وزیر مربوطه از طرف وزیر مالیه تعیین شود . (پیشنهاد ادرای جمع بیکی نمودن محاسبات عمومی ۱۰ مه ۱۸۹۰)



از همین نقطه نظر مسیو بیثرال وزیر مالیه رسماً پیشنهاد نمود که امور محاسبات کلیتاً در وزارت مالیه متمرکز گردد. یعنی حواله محاسبات تنابر وزارت خانه ها نیز در تحت اداره وزارت مالیه بوده اینکته بقدر امکان وزیر مالیه معاملات و حوالجات و حتی نهادهای مخارج همکاران خود را در تحت نظر بگیرد این لایحه قانونی که از طرف مالیه ایتالیا ایجاد گردیده بود بواسطه تغییر وزیر مالیه مسکود شده ماند.

پس چنانکه ملاحظه میشود نسبت به مخارجیکه بدون اعتبار قبلی نهاده و مصرف میشود يك عیب بزرگی در قواعد (فرانسه) موجود و محتاج با اصلاح است.

اما به اعتقاد ما از زیاد نمودن اقتدارات وزیر مالیه جلو گیری این افراط و تفریط ممکن نیست زیرا اقتدار وزیر مالیه نسبت به صدور حوالجات و تادیه مخارج بقدر لزوم امکان در حدت فرانسه موجود و چنانچه بخواهیم این اقتدارها را اضافه نماییم يك نظر و خیال واه است که باخلاق سیاسی ما وفق نخواهد بود.

همسایگان فرانسه خارج از قوه مجریه يك مرکز برای کنترل و معین نمودن آنند که بقاعده نزدیک و بیشتر نیز موثر واقع میشود در این بزرگی و ایتالیا این مرکز را بشام دیوان محاسبات نامیده و در انگلستان کنترل را در ژنرال خوانده میشود. ما جزئیات این تاسیسات را مخصوصاً از نقطه نظر تادیه مخارج مورد بحث قرار میدهم.

۳ - تشکیل کنترلی برای جلوگیری قبلی

## در انگلستان و در ایتالیا

در انگلستان يك معاون عالی بشام کنترول را در نظر ژنرال ریاست

امور مخارج را داشته مأمور مزبور از طرف پادشاه تعیین گردیده و غیر قابل عزل است مگر اینکه از طرف مجلس تعیین و انفصال او پیشنهاد شود. سابقاً قبل از قرن اخیر وزیر مالیه مخصوصاً خواص در مدت جریان بودجه خواص بعد از ختم سنه مالیه مأمور تحقیق و رسیدگی محاسبات بوده است در سنه ۱۸۵۰ مسیو بیث رسیدگی و قضاوت در محاسبات را از وزارت مالیه تجزیه نمود و بهیشت مخصوصی که ادیت افسس نامیده شد و اگذار نمود در سنه ۱۸۳۲ کنترل ممالانیکه در مدت جریان سنه مالیه واقع می گردید و مربوط بوزارت مالیه بود از دست وزیر مالیه خارج و این خدمت بیک کنترل ژنرال رجوع گردید بالاخره در سنه ۱۸۶۵ معاملات سنه جاری و رسیدگی و قضاوت محاسبات روسای مالیه پس از ختم سنه مالیه در زیر دست یک نفر مأمور مرکزی یافته و مقام بلند کمتر لراد پتر بشخص مزبور تفویض شد و یک نفر معاون هم برای او مقرر گردید.

هیچ مبلغی از کلیه وجوهائیکه بمحاسبات جاری خزانه در بانک انگلستان گذارده میشد بدون امضای کمتر لراد پتر ژنرال خارج نشده و ادار خزانه داری برای رفع احتیاجات خود ناچار از رجوع باو و تحصیل اجازه مأمور عالی مزبور است. کمتر لراد پتر ژنرال درخواست های خزانه را مذاکره نموده چنانچه صحت آنها را تصدیق داشته و درخواست های مزبور را مطابق بارای و تصویر پارلمان بداند امضا نموده و خروج وجوهات لازمه را از بانک بحساب خزانه اجازه میدهد.

از ابتدای امر ملاحظه مینمائیم که در انگلستان مأمور مستقل عالی که عزل و انفصال آن فقط بپسه بتقاضای مجلس است مراقبت نامه در اجرای او امر پارلمانی مینماید تمام امور مخارج در تحت مراقبت